

## سوره سی و سوم - احزاب

این سوره در مدینه نازل شده و ۷۳ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر از خدا بترس و کافران و منافقین را پیروی مکن بی‌گمان خدا دانای فرزانه است. و بدان چه از جانب پروردگارت بر تو وحی می‌شود تبعیت کن همانا خدا بدان‌چه می‌کنید آگاه است. بر خدا توکل کن که نگاهبانی او کفایت می‌کند. خدا به هیچکس در درونش دو قلب قرار نداده است. او زنانان را که به صیغهٔ ظهار از آنان دوری می‌کنید مادران شما نکرده و پسرخواندگانتان را پسران شما ننموده است. اینها سخنانی است که شما بر زبان می‌گوئید! سخن خدا حق است و هدایت کننده به راه حق می‌باشد. فرزند خواندگان را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا منصفانه‌تر است. اگر پدرانشان را نشناسید آنها برادران دینی و موالی شما هستند. در آن چه به خطا کرده‌اید گناه نیست ولی گناه در آن است که دل‌هایتان عمداً بکنند و خدا آمرزگار مهربان است! پیامبر بر مؤمنان نزدیکتر از خود آنهاست و همسران او نیز مادران مؤمنان هستند. در کتاب الهی بعضی از خویشاوندان نزدیک، نسبت به بعضی دیگر (برای ارث بردن) از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند. مگر آن که با دوستان خویش (از مهاجران و انصار) وصیتی بکنید (که به صورت تقدم وصیت برادر) در کتاب خدا نوشته شده است! به یاد آر که از پیامبران (برای ابلاغ رسالت) پیمان گرفتیم و از تو، و از نوح، و ابراهیم، و موسی، و عیسی بن‌مریم از همهٔ آنها پیمان سخت گرفتیم. تا خدا راستگویان را از صدقشان بپرسد و برای ناباوران عذاب دردناکی آماده کرده است! (۱ - ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت‌های الهی را یاد کنید آنگاه که لشکریانی به سوی شما آمدند<sup>۱</sup> و ما علیه آنها بادی برانگیختیم و لشکریانی فرستادیم که شما نمی‌دیدید و خدا بدان چه می‌کند بیناست. آنگاه که لشکر دشمن از بالا و پائین (شهر) به شما حمله کردند و چشم‌هایتان خیره شد و قلوبتان به گلو رسید و دربارهٔ خدا گمان‌ها کردید! آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و به تکانی سخت تکان داده شدند! منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرض بود گفتند وعده‌ای که خدا و رسول به ما داده جز مکر و فریب نبود! و آنگاه گروهی گفتند ای اهل یثرب شما را در اینجا جای ماندن نیست برگردید و گروهی نیز از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند که خانه‌های ما بی‌حفاظ است. در حالی که بی‌حفاظ

۱. بعضی‌ها می‌گفتند محمد دو قلب دارد خدا فرمود چنین نیست و به هیچکس دو قلب داده نشده و نیز اعراب جاهلیت وقتی با زن خود اختلاف پیدا می‌کردند گاهی ظهار می‌نمودند یعنی به او می‌گفتند "پشت تو به من مثل پشت مادرم می‌باشد" و لذا تا آخر عمر با آنها همبستر نمی‌شدند! خدا فرمود زنان شما مادران شما نمی‌شوند اینها حرف‌هایی است که خودتان ساخته‌اید. و همچنین گاهی بعضی از اعراب بچه دیگری را به فرزندی برمی‌داشتند و او را مانند فرزند خود می‌پنداشتند و مثلاً اگر این پسرخوانده زن می‌گرفت و سپس او را طلاق می‌داد پسرخوانده‌اش با آن زن ازدواج نمی‌کرد که زن پسر من است. خدا فرمود پسرخوانده پسر صلبی کسی نمی‌شود و این گفته‌ها درست نیست. و حتی در آیه بعد فرمود منصفانه‌تر آن که این قبیل پسرخوانده‌ها را با نام پدرانشان بخوانید.

۲. در سال پنجم حجری قریشیان در صدد برآمدن با حمله به مدینه کار اسلام و محمد را یکسره سازند و با کمک طوایف مختلف اعراب و یاری یهودیان مدینه لشکر بزرگی بیاراستند و به مدینه حمله نمودند. پیامبر در صدد دفاع برآمد و بر کنار قسمتی از شهر خندقی حفر کردند. در این جنگ که به غزوه "اصحاب" و یا "خندق" معروف است باد سختی رو به کفار وزیدن گرفت و با کشته شدن دلیرانی از آنها مثل عمر بن‌عبدود تاب مقاومت نیاورده رو به فرار گذاشتند و این آیات مربوط بدان واقعه است.

نبود و قصد آنها فرار از جنگ بود! و اگر کافران از هر سو به شهر و خانه‌های آنها درآمده و به فتنه کردن دعوتشان نموده بودند همین‌ها آنها را اجابت می‌کردند و جز اندکی درنگ نمی‌نمودند! حال آن که از پیش با خدا عهد کرده بودند که بر دشمن پشت ننمایند و پیمان خدا بازخواست شدنی است! (۹ - ۱۵)

(ای‌محمد) بگو اگر از مردن و شهادت (در جنگ) فرار می‌کنید و فرارتان بر شما سودی ندارد که در این صورت در دنیا هم جز اندکی برخوردار نشوید! بگو اگر خدا در حق شما محبتی یا رحمتی بخواهد چه کسی می‌تواند آن را از شما باز دارد و به غیر از خدا دوستدار و یاری دهنده‌ای بر ایشان نیابند! (۱۶ - ۱۷)

یقیناً خدا از حال آنان که مسلمانان را از جنگ بازمی‌دارند، و به برادران (قبیله‌ای) خود می‌گویند به سوی ما بیایید، به خوبی آگاه است و جز اندکی از آنان به جنگ نیابند! آنها در مورد شما بخل می‌ورزند و چون ترس (از جنگ) بر آنها آید بینی چنان به سوی تو نگاه می‌کنند که دیدگانشان در حلقه می‌گردد. مانند کسی که مرگ گریبانش را گرفته است. و چون ترس از آنها برود باز با زبان‌های تیز شما را بیزارند. در مال و غنیمت حریص باشند. آنها به خدا ایمان ندارند و خدا اعمال آنها را تباه گرداند و این برای خدا آسان است! می‌پندارند که احزاب (یعنی دشمنان مهاجم) نرفته‌اند و اگر آنها بازمی‌گشتند اینان آرزو می‌کردند کاش در میان اعراب صحرائشین بودند و (با در امان بودن از جنگ) اخبار شما را از دیگران می‌پرسیدند. اگر در میان شما هم می‌ماندند اندکی جنگ نمی‌کردند! (۱۸ - ۲۰)

همانا پیامبر برای شما پیشوای شایسته است برای آن کسان از شما که به خدا و روز آخرت امیدوار باشند و خدا را بسیار یاد کنند. و چون مؤمنان سپاه احزاب را دیدند گفتند این است آنچه خدا و پیامبر او وعده دادند. و خدا و پیامبرش راست گفتند و بر مراتب لیمان و طاعت آنها افزوده گشت! برخی از مؤمنان با پیمانی که با خدا بستند صادق شدند. کسانی از آنها به عهد خود وفا کردند (و تا مرحله شهادت پای فشردند) و بعضی دیگر در انتظارند و عهد خود را هیچ تغییر ندادند! تا خدا راستگویان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان را، اگر بخواهد عذاب کند و یا توبه‌شان را بپذیرد. به راستی که خدا آمرزگار مهربان است. (۲۱ - ۲۴)

خدا کافران را با همه خشم و غضبی که (در حمله به مدینه) داشتند، دفع کرد. در حالی که هیچ مال و غنیمتی نیافتند و خدا خود در جنگ بر مؤمنان کفایت نمود که خدا توانای عزیز است! و آن گروه از اهل کتاب (یهودیان) را، که مشرکان را یاری دادند از سنگرها و حصارهایشان فرود آورد و در دل‌هایشان رعب و هراسی افکند که شما گروهی را کشتید و گروهی را اسیر کردید و شما را وارث زمین و دیار و اموال آنها، و نیز زمین‌هایی که بر آنها قدم نگذاشته بودید، گردانید و او بر هر چیزی تواناست! (۲۵ - ۲۷)

ای پیامبر به همسرانت بگو اگر زندگانی دنیا و زینت آن را طالبید بیایید مهرتان را بدهم و به نحو شایسته‌ای از اذتان نمایم! و اگر خدا و پیامبر او و سرای آخرت را خواهانید بدانید که خدا بر نیکوکاران پاداش بزرگی مهیا کرده است! ای زنان پیامبر! هر که از شما به کار زشتی مسلمی مبادرت کند عذاب وی دو چندان افزون باشد و این بر خدا آسان است و هر که از شما به خدا و پیامبر او اطاعت کند و کار نیکو انجام دهد او را دو بار پاداش می‌دهیم و برای او روزی فراخی آماده کرده‌ایم! ای همسران پیامبر! شما همانند زنان دیگر نیستید. اگر از خدا می‌ترسید در گفتار خود (با مردان) نرمی نشان ندهید تا مبادا کسی که در دلش بیماری است به طمع افتد. بلکه متین و گفتار پسندیده بگوئید! در خانه‌های خود آرام

بگیرید و مانند دوران جاهلیت گذشته، خودآرائی و زیورنمائی منمائید. نماز برپا دارید. و زکات بدهید. و خدا و رسولش را پیروی کنید و بدانید که خدا می‌خواهد پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و منزّه گرداند! و آن چه از آیات الهی و سنت رسول در خانه‌های شما خوانده می‌شود پند گیرید و بدانید خدا دقیق و آگاه است! (۲۸ - ۳۴) همانا خدا بر مؤمنان و زنان مسلمان، و مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و زنان خداترس و فروتن، و مردان و زنان مسکین‌نواز، و مردان و زنان روزمدار، و مردان و زنانی که شرمگاه خود را نگاه دارند، و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد کنند آمرزش و پاداش بزرگی مهیا ساخته است! بر هیچ مرد و زن مؤمنی نرسد وقتی خدا و پیامبرش چیزی را اراده کردند برای آنان اختیاری در امر آنها باشد و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند به ضلالت افتد ضلالتی آشکار! وقتی به آن کس که خدا نیکی کرد و تو نیکویی کردی گفתי زنت را برای خودت نگاه دار و از خدا بترس (و طلاق مده) و در دل خویش پنهان داشتی آن چه را که خدا آشکار کننده آن بود و از مردم ترسیدی در حالی که خدا سزاوارتر از دیگران بود که از او بترسی. پس چون زید حاجت خود را از آن زن بگزرانید (و طلاقش داد) او را بر تو به ازدواج درآوریم تا بر مؤمنان، در ازدواج با همسر پسرخواندگانشان گناهی نباشد. و وقتی که آنان از آن همسران حاجت خود را گزارده باشند. و فرمان الهی اجرا شدنی است! بر پیامبر در آن چه خدا برایش مقرر فرمود هیچ اعتراضی نیست بر کسانی هم که پیش از این در گذشته‌اند چنین بود و این سنت الهی است و فرمان خدا و دستوری است انجام دادنی! همان کسان که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌دارند. و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا باک ندارند و خدا برای حساب کفایت می‌کند. محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست بلکه پیامبر خداست و خاتم پیامبران و خدا به همه چیز داناست! (۳۵ - ۴۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید. و صبح و شام او را تسبیح گوئید. اوست که با فرشتگانش بر شما رحمت می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به روشنائی‌ها درآورد و او بر مؤمنان مهربان است. درود آنها بر مؤمنان، آن روز که به لقاء الهی توفیق یابند. سلام باشد و آنها پاداش نیکویی مهیا کرده است! (۴۱ - ۴۴)

ای پیامبر! تو را فرستادیم که شاهد و مژده دهنده و بیم‌رساننده باشی. و به اذن خدا مردم را به سوی او دعوت کنی. و چراغ روشنی‌بخشی بر آنان باشی. و مؤمنان را بشارت‌دهنده که از جانب خدا فضل و بخشایش بزرگی بر آنهاست. و کافران و منافقان را پیروی مکن. و آزارشان را واگذار. و بر خدا توکل کن که خدا وکیل و کارساز بسنده است. (۴۵ - ۴۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر با زنان مؤمنه ازدواج کردید و پیش از آن که با آنان

۱. آیه در حق زید بن‌ثابت و زینب بنت‌جحش است. زید غلامی بود که حضرت خدیجه بر پیامبرص بخشید و پیامبر او را آزاد کرد و به پسرخواندگی خویش قبول نمود. بعدها که بزرگ شد با زینب بنت‌جحش که دختر عمه پیامبر بود ازدواج نمود زینب زیبا بود و نوه عبدالمطلب ازدواج با غلام آزاد شده‌ای را نمی‌پسندید و چون پیامبر از این ازدواج حمایت می‌کرد زینب با توجه به آیه ۳۶ بالا، که خدا فرمود مرد و زن مؤمن بعد از حکم خدا و رسول اختیاری در کار خود ندارند تمکین نمود. اما پس از چندی زید در صدد طلاق وی برآمد. پیامبر نصیحتش کرد که طلاق ندهد ولی سرانجام طلاق صورت گرفت. در اعراب جاهلیت پسرخوانده مثل پسر خود شخص تلقی می‌شد و ازدواج با زن مطلقه او بر پدرخوانده جایز نبود. به موجب آیه سوم همین سوره خدا فرمود که پسرخوانده پسر شخص نمی‌شود و در این آیه ازدواج با زینب همسر مطلقه زید را بر پیامبر مقرر داشت تا آن رسم در اسلام از بین برود.

نزدیکی کنید طلاقشان دادید، عده‌ای بر عهده آنان ندارید که آنها در انتظار آن بنشینند. آنها را به چیزی از مال بهره‌مند کنید و به خوشی رها سازید. (۴۹)

ای رسول! ما بر تو حلال کردیم همسرانت را، که مهرشان را داده‌ای، و آن که مملوک تو است که خدا غنیمت تو کرده، و نیز دختر عموهایت، و دختر عمه‌هایت، و دختر دانه‌هایت، و دختر خاله‌هایت که با تو مهاجرت کردند، و همچنین زن مؤمنه‌ای که خویشتن را بر پیامبر هبه نماید اگر پیامبر بخواهد با وی ازدواج کند و این کار خاص توست نه مؤمنان دیگر. همانا ما دانستیم آن چه را که درباره نکاح زنانشان بر آنها واجب کرده‌ایم و آنهایی که خدا ایشان را به غنیمت به آنها داد، تا بر تو تنگی و سختی نباشد، و خدا آمرزنده مهربان است! از زنان خود هر که را خواهی ترک کن (طلاق بده) و هر که را خواهی با خود نگهدار، و اگر زنی را که از خود دور ساخته‌ای باز خواهی بر تو گناهی نیست. این باز خواستن آنها نزدیک‌تر است به روشن ساختن دیدگان ایشان، و انده‌گین نشوند، و بدان‌چه به آنان بدهی خشنود گردند و خدا داند که در دل‌های شما چه می‌گذرد و او دانای بردبار است. بعد از این زنان دیگر بر تو حلال نیست و نیز این که به جای آنها زن دیگری بگیری اگر چه زیبایی آنها تو را به شگفت آورد. مگر زنی که از راه غنیمت به تو رسد و مالک آنها شوی و خدای بر همه چیز نگاهبان است! (۵۰ - ۵۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه پیامبر وارد نشوید مگر این که برای طعام دعوت شده باشید (و در این صورت هم زودتر نیاید) و به انتظار آماده شدن آن (غذا) منشینید و اگر دعوت شدید به موقع داخل گردید و چون طعام خوردید پراکنده شوید و در آنجا خود را به گفتگو (با هم) سرگرم مسازید که این کار شما موجب آزار پیامبر می‌شود و او از شما شرم دارد ولی خدا از بیان حق شرم ندارد. اگر شما از زنان پیامبر چیزی بخواهید از پشت پرده بخواهید این بر دل‌های شما و آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید که پیامبر خدا را برنجانید. و نه پس از وی با زنان او زناشویی کنید که این کار پیش خدا گناهی عظیم است! آن چه را برملا کنید یا پنهان سازید خدا بر همه آنها آگاه است! بر زنان گناهی نیست که در حضور پدران، و پسران، و برادران و پسران برادران، و پسران خواهر خود، و زنان مؤمنه، و کسانی که به عنوان بنده مالک آنها هستند (حجاب نداشته باشند). از خدا بترسید که او بر همه گواه است. و همانا خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما هم بر او درود بفرستید و سلام کنید سلام کردنی. کسانی که خدا و پیامبرش را برنجانند خدا در دنیا و آخرت لعنشان کند و بر آنان عذاب خفت‌انگیزی آماده کرده است! و کسانی که مردان و زنان مؤمن را (با نسبت دادن) چیزی که نکرده‌اند بیازارند بی‌شک بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته‌اند! (۵۲ - ۵۸)

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و بانوان مؤمنه بگو چادرهای خود را بر خود فرو پوشند. این کار مناسبتر است که (به صلاح و عفت) شناخته شوند و مورد آزار (شهوته‌پرستان) قرار نگیرند و خدا آمرزگار مهربان است! و اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرض است، و شایعه‌پراکنان این شهر بس نکنند تو را بر آنان مسلط گردانیم و آنگاه جز زمان

۱. در آیات بالا از بانویی که ازدواج پیامبر با آنها مجاز بود سخن رفته و نیز درباره اختیار او در طلاق یا نگاهداشتن زناش عنوان شده است. توضیح آن که زنان پیامبر از او چیزهایی مثل جامه‌های مصری، بُردِ بمانی، حلیه و زینت‌آلات می‌خواستند و پیامبر امکان آنها را نداشت یا مصلحت نمی‌بود. لذا از آنها تکذّر خاطر یافت و سوگند خورد که یک ماه از آنان دور باشد. در این میان آیه ۵۱ بالا نازل شد که بر زناش بگو اگر متاع و زینت دنیا می‌خواهید بیایید به قدر امکان چیزی به شما بدهم و به وجه بهتری رهایتان سازم. و اگر خدا و آخرت را خواهید بدان چه هست راضی باشید. زن‌ها دومی را پذیرفتند.

اندکی در این شهر همسایه تو نباشند!<sup>۱</sup> آنها لعنت شدگانند. هر کجا پیدا شوند دستگیر گردند و به سختی کشته شوند! این سنت خداست که در ادوار گذشته هم برقرار بوده است و هرگز سنت خدا را دگرگونی نیابی. (۵۹ - ۶۲)

مردم از روز قیامت از تو سؤال می‌کنند بگو علم آن نزد خداست. تو چه دانی شاید که قیامت نزدیک باشد! همانا خدا کافران را لعنت کرده و برای آنان آتش افروخته آماده ساخته است که در آن جاویدان بمانند و دوست و یآوری نیابند! روزی که چهره‌های آنان را در آتش بگردانند گویند ای کاش اطاعت خدا و پیروی پیامبر می‌کردیم! و گویند پروردگارا! ما از بزرگان و مهتران خود پیروی کردیم و آنها ما را گمراه ساختند! پروردگارا! آنها را دو چندان عذاب بده و آنان را با لعن بزرگ از رحمت خویش به دور دار! (۶۳ - ۶۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مانند آنهایی نباشید که موسی را آزار کردند و خدا او را از آن چه گفتند (تهمت زنا) میرا کرد و او نزد خدا موجه بود. ای کسانی که ایمان آورده‌اید از عذاب الهی بپرهیزید و سخن به حق و صواب بگوئید. تا اعمال شما را اصلاح کند و گناهانتان را بپامرزد و هرکس خدا و پیامبرش را فرمان‌برد بی‌شک به سعادت و پیروزی بزرگی نایل آید! همانا ما امانت را به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم آنها از برداشتن آن ابا کردند و از آن ترسیدند و انسان آن بار را به دوش کشید که ستمگار و نادان بود! تا خدا مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان مؤمن را بپذیرد و خدا آمرزگار مهربان است! (۶۹ - ۷۳)

۱. کسانی بودند که در مدینه با پخش شایعاتی مثل کشته شدن مجاهدان در جنگ ایجاد اضطراب می‌کردند.